

# جهادگری مهندس ۱

اهداف این درس عبارتند از:

- آشنایی با اخلاق ایثار
- آشنایی با مفهوم جهادگری مهندس
- آشنایی با ویژگی اخلاقی مهندسان جهادگر

## ۱ مقدمه

با مرور فرمان امام خمینی رحمه‌الله‌علیه برای تشکیل جهاد سازندگی اولين نکته‌ای که به ذهن می‌رسد این است که چرا امام خمینی رحمه‌الله‌علیه سازندگی را مصدق جهاد دانسته‌اند. آنچه در سنت اسلامی مورد اتفاق است جهاد به معنای قتال است؛ با اینکه جهاد در احادیث دیگر معنایی فراتر از قتال دارد و تنها به منزله قتال نیست اما این احادیث یا به خاطر قلت و یا تأکید بیشتر و یا به علل دیگر مثل غلبه منافع حکام- از صحنه فرهنگ اسلامی رخت بسته است. در فرمان امام خمینی رحمه‌الله‌علیه برای تشکیل جهاد سازندگی ایشان می- فرمایند که «ان شاء الله خداوند به همه ملت و به همه کسانی که در این راه تشریک مساعی می‌کنند و این وظیفه اخلاقی- شرعی را ادا می‌کنند، به همه توفیق عنایت کند. همه موفق باشند که در این جهاد شرکت کنند و آن خرابه‌ها را بسازند، و برادران خودشان را کمک کنند؛ که شاید هیچ عبادتی بالاتر از این عبادت نباشد»<sup>۱</sup> امام خمینی رحمه‌الله‌علیه تلاش برای سازندگی کشور را عین جهاد می‌داند و جهاد سازندگی را بالاترین عبادات و وظیفه اخلاقی می‌داند. سوال مهم این است که چرا جهاد سازندگی به یک امر اخلاقی اجتماعی تبدیل می‌شود؛ در جهاد سازندگی چه اتفاقی رخ می‌دهد که به وظیفه اخلاقی مبدل می‌گردد؟ قبل از هر چیز باید معنای جهاد را درک کنیم تا ارتباط آن را با اخلاق به درستی بفهمیم.

## ۱.۱ توسعه مفهوم جهاد

در بسیاری از آیات و روایات جهاد، بر قید «فی سبیل الله» به روشنی تأکید شده است؛ **جهاد فی سبیل الله** جهاد است. شیعه بر خلاف دیگر مذاهب اسلامی در معنای فی سبیل الله توسعه ایجاد کرده و هر کاری را که نفعی برای مسلمین دارد از مصاديق فی سبیل الله می‌داند. علامه طباطبائی رحمه‌الله‌علیه نیز در المیزان<sup>۲</sup> در

<sup>۱</sup> صحیفه امام، ج ۸ ص ۱۷۹ - ۱۸۰.

<sup>۲</sup> تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۵۸۲.

تفسیر آیه «جاهدوا فی الله حق جهاده»<sup>۳</sup> می‌فرماید: «کلمه **جهاد** به معنای بذل جهد و کوشش در دفع دشمن است و بیشتر بر مدافعته به جنگ اطلاق می‌شود و لیکن گاهی به طور مجاز توسعه داده می‌شود به طوری که شامل دفع هر چیزی که ممکن است شری به آدمی برساند می‌شود. مانند شیطان که آدمی را گمراه می‌سازد و نفس اماره که آن نیز آدمی را به بدی‌ها امر می‌کند و امثال اینها. در نتیجه جهاد شامل مخالفت با شیطان در وسوسه‌هایش و مخالفت با نفس در خواسته‌هایش می‌شود که رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم این قسم جهاد را «جهاد اکبر» نامید و ظاهراً مراد از جهاد در آیه مورد بحث معنای اعم از آن و از این باشد و همه را شامل شود، مخصوصاً وقتی می‌بینیم که آن را مقید به قید در راه خدا کرده به خوبی این عمومیت را می‌فهمیم؛ چون این آیه، جهاد را متعلق کرده بر کاری که در راه خدا انجام شود پس **جهاد اعم**<sup>۴</sup> است». با این تلقی نیز جهاد به معنای اعم از دفع دشمن، وسوسه نفس و شیطان است و می‌تواند به معنای جهاد در راه سلامت نیز معنا گردد زیرا کسانی که برای سلامت انسان‌ها جهد و تلاش می‌کنند در حال دفع آلودگی از جسم انسان‌ها و به تعبیر دیگر دفاع از جسم انسان‌ها هستند. بنابراین اطلاق «جهاد» برای کسانی که در راه سلامت تلاش می‌کنند کاملاً صحیح است. این توسعه می‌تواند درباره کسانی باشد که با بیماری و مرض فقر، محرومیت و بی‌عدالتی مبارزه می‌کنند مرضی که خود موجب بسیاری از مفاسد است. بنابراین اطلاق جهاد بر مبارزه با فقر و سازندگی کشور که بار بزرگی از آن بر دوش مهندسان هست نیز نابجا نیست.

رهبر انقلاب در توسعه مفهوم جهاد می‌گوید:

ممکن است یک وقت این جهاد به شکل قتال باشد، ممکن است جهاد مالی باشد، ممکن است جهاد علمی باشد، ممکن است جهاد فنی باشد؛ همه‌ی اینها جهاد است؛ انواع و اقسام جهاد و مبارزه است.<sup>۵</sup>

امام خمینی نیز در دو جا جهاد به معنای سازندگی را با جهاد به معنای خودسازی پیوند می‌دهد و می‌گوید: خداوند ان شاء الله شماها را حفظ کند. شما جوان‌ها را حفظ کند که همچو همت والایی دارید که می‌روید در جهاد سازندگی و زحمت می‌دهید به خودتان. لکن برای خدادست این. شما خیال نکنید، هر قدمی که الآن بردارید برای کشور اسلامی، این قدم پیش خدا محفوظ است. خیال نکنید که این قوه‌های شما هدر می‌رود. قوای انسان وقتی هدر می‌رود که برای خدا نباشد. آن وقتی که قوا برای خدا کار بکند هدر نمی‌رود، پیش خدادست. و این سازندگی شما ان شاء الله خودتان هم ساخته می‌شوید به آن طوری که

<sup>۳</sup> سوره حج، آیه ۷۸

<sup>۴</sup> عام‌تر، شامل‌تر، گسترده‌تر.

<sup>۵</sup> بیانات؛ ۹۰/۱/۸

خدای تبارک و تعالی امر فرموده است و انبیا را برای او فرستاده که هم در این جهاد، جهاد نفسی باشد و هم سازندگی برای ملت. خداوند همه شما را موفق و موید بدارد. و من هم دعاگوی همه‌تان، خدمتگزار همه هستم. سلامت باشید ان شاء الله<sup>۶</sup>.

.... سازندگی‌های روحی مقدم بر همه سازندگی‌هاست. جهاد سازندگی از خود افراد باید شروع بشود و خودشان را بسازند و با شیطان باطنی جهاد کنند که این جهاد منشا همه جهادهایی است که بعد واقع می‌شود. انسان تا خودش را نسازد نمی‌تواند دیگران را بسازد و تا دیگران ساخته نشوند، نمی‌شود که کشور ساخته بشود. جهاد سازندگی از خود آدم باید شروع بشود<sup>۷</sup>

بنابراین بیان جهاد دارای مراتبی است که از نفس (جهاد با نفس) تا سازندگی (جهاد سازندگی) پیوسته است. این امر بدان معناست که تا نفس آدمی مهیا نباشد جهاد سازندگی نیز محقق نمی‌گردد؛ از این رو مراحل سازندگی عبارت است از: خودسازی، دیگرسازی، کشورسازی.

خودسازی که همان جهاد با نفس است. جهاد با تمایلات نفسانی و که مدام انسان را به سوی شهوت و غضب سوق می‌دهد. جهاد با نفس کسب و تقویت فضائل اخلاقی و مبارزه با رذائل اخلاق است. دیگرسازی نیز خود نوعی جهاد است که بعد از جهاد با نفس معنا می‌یابد و نمونه آن در امر به معروف و نهی از منکر است. در امر به معروف و نهی از منکر فرد دیگری را به معروف‌های دعوت می‌کند که خود ملتزم به آن‌هاست و از منکرهای نهی می‌کند که خود از آنها اجتناب می‌کند. در کشورسازی هم به نوعی خودسازی وجود دارد، هم دیگرسازی و کشورسازی. چرا که فرد باید به مرتبه‌ای از فضائل اخلاقی دست یافته باشد که بتواند از مال و جان و عمر خویش بگذرد تا به دیگران کمک کند و شرایط بهتری برای زندگی کردن آنها فراهم آورد. این نوع فعالیت نه تنها سبب تربیت اخلاقی خود فرد می‌گردد بلکه دیگران را نیز به این نوع فعالیت تشویق می‌کند و به نوعی فراخواندن دیگران به کار خیر بدون استفاده از کلام و با اعمال است<sup>۸</sup>.

<sup>۶</sup> بیانات، ۱۷ دی ۱۳۵۸ / (خمینی، روح الله. صحیفه امام، ج ۱۲، ۱۳۷۸: ۶۸-۷۴).

<sup>۷</sup> بیانات، ۰۲ دی ۱۳۵۸ / (خمینی، روح الله، صحیفه امام، ج ۱۱، ۱۳۷۸: ۳۷۹-۳۸۷).

<sup>۸</sup> عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ الْكَفَافُ قَالَ: كُونُوا دُعَاءَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَ لَا تَكُونُوا دُعَاءَ بِالسُّيَّتِكُمْ فَإِنَّ الْمُرْئَ لَيْسَ حِيَثُ يَذْهَبُ إِلَيْهِ النَّاسُ إِنَّهُ مَنْ أَخَدَ مِنَافِقَهُ أَنَّهُ مِنَّا فَلَيُؤْسِرَ بِخَارِجٍ مِنَّا وَ لَوْ ضَرَبَنَا خِيَشُومَةً بِالسَّيْفِ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ مِنَّا ثُمَّ حَبَّوْنَا لَهُ الدُّنْيَا لَمْ يُحِبَّنَا (مجلسی، ج ۵ ۱۴۰۳: ۱۹۸)

## ۲ عبور از نگاه مرسوم به مهندسی

تا به حال نگاهی که از مهندسی ارائه شده مهندسی را به مثابه نهادی که هویت اصلی آن اقتصادی و یا خدمت‌داری است معرفی کرده و مهندس حرفه‌ای را فردی که نهایتاً خدمتی را به جامعه ارائه می‌کند معرفی نموده است. اما می‌توان نگاه به مهندسی را توسعه داد و آن را نهادی دید که علاوه بر ارائه خدمت، دانش، تجربه و حرفه خود را برای اهداف عالی انسانی مصروف می‌دارد. در این تلقی حرفه مهندسی نه تنها امری، شخصی و نهادی است بلکه امری متعالی است که در عالی‌ترین سطوح ارزشی قرار دارد.

در این سطح مهندس از خود و خواسته‌های مادی خود می‌گذرد. از علم و تجربه و حتی جان و مال خود نیز می‌گذرد تا ارزشی دیگر را احیا کند. این تعالیٰ اخلاقی تنها در قالب ایثار معنا پیدا می‌کند. چنانکه امیر مومنان می‌فرمایند: عالی‌ترین خصلت اخلاقی ایثار است؛ «الإِيَّاثُرُ أَعْلَى الْمَكَارِمِ».<sup>۹</sup> در این سطح از فضیلت اخلاقی است که انسان بر خویشن خویش پا می‌گذارد از شیره جان خود به دیگران می‌نوشاند هرچند خود به آن نیاز دارد؛ در حقیقت آنچه واقعاً اسم فضیلت برازنده آن است ایثار است چنان که امیر مومنان علی عليه السلام می‌فرماید: «مَنْ آتَرَ عَلَى نَفْسِهِ اسْتَحْقَقَ اسْمَ الْفَضْيَلَةِ».<sup>۱۰</sup> آیه شریفه قرآن کریم نیز به این فضیلت عالی چنین اشاره می‌کند: و [دیگران را] بر خویشن مقدم می‌دارند، هرچند خودشان نیازمند باشند و آنها که از خست نفس خویش، مصون بمانند، آنان، همان رستگاران‌اند؛ «وَ يُؤْتُرُونَ عَلَى أَنفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».<sup>۱۱</sup> تقدم دیگران بر خود معنای ایثاری است که در متون دینی به آن صریحاً اشاره شده است.<sup>۱۲</sup> اگر انسان در مرحله اول از انسانیت باید نسبت به

<sup>۹</sup> شرح غرر الحكم، ج ۱، ص ۲۴۲، ح ۹۸۶.

<sup>۱۰</sup> غرر الحكم، ح ۸۴۵.

<sup>۱۱</sup> سوره حشر آیه ۹.

<sup>۱۲</sup> الكافی - به نقل از آبان بن تغلب - : [به امام صادق عليه السلام گفت]: «أَخْبَرْنِي عَنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ . فَقَالَ: يَا أَبَانُ ، دَعْهُ لَا تَرِدْهُ . قُلْتُ: بَلِي - جُعِلْتُ فِدَاكَ ! - فَلَمْ أَزِلْ أُرْدِدُ عَلَيْهِ . فَقَالَ: يَا أَبَانُ ، تُقَاسِمُهُ شَطَرَ مَالِكَ ، ثُمَّ نَظَرَ إِلَيَّ فَرَأَى مَا دَحَّلَنِي ، فَقَالَ: يَا أَبَانُ ، أَمَا تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ ذَكَرَ الْمُؤْتَبِينَ عَلَى أَنفُسِهِمْ مَحْدِيثٌ ؟ قُلْتُ: بَلِي جُعِلْتُ فِدَاكَ ! فَقَالَ: أَمَا إِذَا أَنْتَ قَاسِمَتَهُ فَلَمْ تُؤْثِرْ بَعْدًا ، إِنَّمَا أَنْتَ وَ هُوَ سَوَاءٌ؛ إِنَّمَا تُؤْثِرُهُ إِذَا أَنْتَ أَعْطَيْتَهُ مِنَ الْيَصْفِ الْآخِرِ؛ مَرَا از حَقَّ مُؤْمِنٍ بِرِّ مُؤْمِنٍ ، آگاه فرما. فرمود: «ابان! این موضوع را بگذار و از آن، بگذار». گفت: نه، فدایت شوم. و به ایشان، اصرار ورزیدم. پس، فرمود: «ای ابان! [از حقوق مؤمن بر مؤمن، این است که] داراییات را با او به دو نیم، قسمت کنی». سپس به من نگریست و چون حالت [اعجاب] دست داده به مرا دید، فرمود: «ای ابان! مگر نمی دانی که خداوند عَزَّ وَ جَلَّ از ایثارگران، یاد کرده است؟». حدیث گفت: چرا، فدایت شوم. فرمود: «هر گاه داراییات را با او قسمت کنی، هنوز ایثار نکرده‌ای؛ بلکه تو و او پیکسانید. وقتی ایثار می کنی که از نیم دیگر هم به او بدهی». الكافی، ج ۲، ص ۱۷۲، ح ۸

دیگران عادل باشد و حق او را به طور کامل ادا کند، در مرحله دیگر نسبت به غیر باید احسان و نیکی کند و او را در کارش کمک نماید در مرحله نهایی از انسانیت است که انسان ایثار و دیگران را بر خود مقدم می‌دارد؛ این اوج انسانیت و به تعبیر بهتر عبور از انسانیت و تقرب به ساحت ربوبی است. این ایثارگر است که فضیلت را تمام می‌کند؛ «كُنْ عَفُوا فِي قُدْرَتِكُمْ، جَوَادًا فِي عُسْرَتِكُمْ، مُؤْثِرًا مَعَ فَاقِتِكُمْ؛ يَكْمُلُ لَكُمُ الْفَضْلُ»؛ در هنگامی که قدرتداری با گذشت باش و در گاه تنگ دستیات بخشنده و در وقت نیازمندی‌ات، ایثارگر باش تا فضل تو کامل گردد.<sup>۱۳</sup>

### ۳ ایثار و گذشت در فعالیت مهندسی

ایثار و گذشت در فعالیت مهندسی به انحصار و اشکال مختلف قابل تصور است گاهی مهندس برای خانواده‌ای بی‌بضاعت کاری انجام می‌دهد و گاهی گروهی از مهندسان برای دفاع از کشور و کیان ملی بدون چشم‌داشت فعالیتی انجام می‌دهند و حتی از جان خود می‌گذرند. همه این موارد را می‌توان در زمرة ایثار مهندسی شمرد که نمونه‌های آن در کشور فراوان است. ایثار در مهندسی دارای مراتبی است که بسته به نوع و سطح فعالیت مهندس متفاوت می‌شود. ممکن است مهندسی برای ایمنی ساختمان خانواده‌ای فقیر ترفندهایی را اعمال کند و هزینه‌ای دریافت نکند یا ممکن است مهندسی انرژی هسته‌ای برای خودکفایی و استقلال کشور در زمینه انرژی هسته‌ای سانتریفیوژهایی با بالاترین تکنولوژی و کمترین هزینه بسازد و در این راه جان خود و خانواده خود را به خطر بیندازد. هر دو این فعالیت‌ها ایثارگرانه است اما نمونه اخیر در درجه‌های عالی‌تر از فعالیت ایثارگرانه مهندسی قرار دارد. با اینکه مرزمندی میان مراتب ایثارگری کاری دشوار است با این حال بعضی از مراتب ایثارگری را می‌توان به صورت زیر برشمرد؛ البته توجه به این نکته نیز ضروری است که در همه مراتب ایثار، استفاده از دانش و تجربه مهندسی شرط اساسی هر مرتبه است اما امور دیگری هست که مرتبه ایثار را معین می‌کند:

(۱) بذل وقت و زمان: مهندس می‌تواند از وقتی که مختص به خود است به خاطر پیشبرد فعالیتی که منفعت آن به دیگری می‌رسد بگذرد؛ این کمترین کاری است که می‌توان برای کمک به دیگران انجام داد.

(۲) بذل تجربه و دانش با تکنیک بالا (های تک): مهندسی که توانایی تکنیکی منحصر به فردی دارد می‌تواند از این تکنیک جهت کمک به مردم و یا کشورش استفاده کند. همانطوری که بسیاری از

---

<sup>۱۳</sup> غرر الحكم، ۷۱۷۹، عيون الحكم و المواقظ، ص ۳۹۳، ح ۶۶۷.

مهندسان خبره کشور امکانات و تسهیلاتی که در دیگر کشورها در اختیار داشتند رها کردند و به کشور خود بازگشتند و با امکانات کمتر به خدمت مشغول شده‌اند.

(۳) بذل اموال و دارایی‌ها: گاهی مهندس نه تنها وقت و تکنیک خود را مصروف کاری می‌کند بلکه خود در هزینه‌های فعالیت مهندسی شریک می‌شود تا به نحوی به مردم خدمت برساند.

(۴) بذل امنیت خود و خانواده: مهندس با فعالیت‌های خود جهت افزایش امنیت مردم سرزمینش امنیت خود و خانواده‌اش را به خطر می‌اندازد.

(۵) بذل جان و نفس: گاهی بهای خدمت مهندسی بذل تمام سرمایه این دنیایی انسان یعنی جان اوست. چه بسیار مهندسانی که در راه افزایش امنیت و رفاه مردم ایران جان خود را فدا کردند و شهید شدند. شهیدان احمدی روشن، شهریاری، رضائی نژاد، فخری‌زاده از جمله این افراد بودند.

مهندسان می‌توانند برخی از این مراتب و یا مجموع این مراتب را با هم در اختیار داشته باشد. مراحل نهایی ایثار شامل مهندسانی است که خود را وقف عرصه‌های خطیر استراتژیک ملی و دفاعی می‌کنند. نمونه‌های بارز بذل جان در عرصه‌های مهندسی شهدای هسته‌ای هستند که دائمًا خود و خانواده‌هایشان در معرض خطر بوده‌اند.

ایثارگری مهندسان به صورت فردی با اینکه بسیار مهم است اما تبدیل آن به فرهنگ و بازتولید آن در عرصه جامعه مهم‌تر است. تبدیل یک امر اخلاقی به یک امر فرهنگی سبب تبدیل شدن یک فرهنگ به فرهنگ اخلاقی می‌گردد. فرهنگ اخلاقی فرهنگی است که ارزش‌های اخلاقی بر آن حاکم است و به رفتارهای افراد جامعه تعین می‌بخشد. بنابراین مهندسان به غیر از اینکه باید خود اخلاقی باشند و تجلی اوج اخلاق یعنی ایثار در آنان مبتلور شود باید رواج دهنده این فرهنگ والای ایثارگری باشند. رواج فرهنگ اخلاقی ایثار در جامعه فرهنگ‌سازی اخلاق ایثار نامیده می‌شود. بخشی از وظیفه فرهنگ‌سازی اخلاق ایثار به عهده خود مهندسان و نهاد مهندسی است؛ به دلیل اینکه طبعاً یک رفتار اخلاقی از افراد با حرفة مشترک نسبت به دیگر افراد قابلیت پذیرش بیشتری دارد.

در تجربه انقلاب اسلامی یکی از فرهنگ‌های اخلاقی که در جامعه مهندسان تجلی یافت، فرهنگ جهاد بود. اوج ایثار و فدایکاری و از جان گذشتگی مهندسان در جهاد تجلی یافت. مفهومی که توسط امام خمینی (رحمه‌الله) وارد فرهنگ انقلاب اسلامی شد و در عرصه علمی با جهاد دانشگاهی و در عرصه سازندگی با

جهاد سازندگی و در عرصه دفاعی با جهاد خودکفایی به اوج خود رسید. بعد از امام خمینی نیز این مسیر ادامه یافت و رهبر انقلاب نیز کماکان بر توسعه و ترویج فرهنگ و گفتمان جهادی تأکید می‌کند.<sup>۱۴</sup>

ایشان درباره فرهنگ جهادی می‌فرماید:

آن جایی که فرهنگ جهادی نیست و فرهنگ مادی حاکم است، هر انسانی به تنها بی خودش محور همه حوادث عالم است؛ سود را برای خود می‌خواهد و ضرر را از خود دفع می‌کند. اصل برای او این است؛ لذا تعارض‌ها و بی‌اخلاقی‌ها و بی‌صداقتی‌ها و دشمنی‌ها پیش می‌آید. آن جایی که حرکت و روح جهادی وجود دارد، انسان در ایمان و آرمان و خدمت به دیگران حل می‌شود و خود را فراموش می‌کند. این روحیه را باید در جامعه تقویت کرد. کشاورزی و دامداری ما هم با این روحیه رونق واقعی خود را پیدا خواهد کرد.<sup>۱۵</sup>

ایشان فرهنگ جهاد را فرهنگی معنوی می‌داند که معیار کنش‌های انسانی را از کنش‌های سودگروانه مادی و خودخواهانه به کنش‌های دیگرخواهانه و معنوی تبدیل می‌کند. این بیان دقیق حاوی نکته اخلاق دیگری نیز هست؛ در حرکت و روح کار جهادی فرد در خدمت به دیگران حل می‌شود یعنی برای خود هیچ شخصیتی قائل نیست و همه چیز را برای دیگری می‌خواهد و این جاست که خود را فراموش می‌کند و این اوج ایثار است.

### ۳.۱ فضایل اخلاقی جهادگران

برای جهادگران، خصوصاً مهندسان جهادگر ویژگی‌های اخلاقی زیادی می‌توان برشمرد. با این حال توجه ما معطوف به ویژگی‌هایی است که خاص جهادگری است. اگرچه استخراج این صفات کار آسانی نیست اما با مرور خاطرات، مصاحبه با جهادگران و وقایعی که رخ داده است می‌توان صفات خاص ایشان را برشمرد. نکته بسیار مهم آن است که چنانچه بیان شد مفهوم مرکزی جهاد ایثارگری است و بدون این مفهوم جهادگری مفهومی اخلاقی نیست لذا بقیه صفات نیز ذیل این صفت معنایی ویژه پیدا می‌کنند.

#### (۱) صبر بر سختی و مشقت

صبر بر سختی یکی از ویژگی‌های مهم اخلاقی انسان است چنانکه امیرmomnan می‌فرماید: «أقوى عَذْوَ الشَّدَائِدِ الصَّبَرُ»؛ قوی‌ترین دشمن سختی‌ها صبر و شکیبایی در برابر آنهاست.<sup>۱۶</sup> اما صبر بر سختی و مشقت

<sup>۱۴</sup> ما باید کاری کنیم که گفتمان جهادی به گفتمان عمومی تبدیل شود. (بیانات: ۹۸/۵/۲۳)

<sup>۱۵</sup> (بیانات، ۸۲/۱۰/۱۴)

<sup>۱۶</sup> غرر الحكم، ۲۹۰۸/۲

برای جهادگر معنای متفاوتی دارد. شاید بتوان حداقل دو تفاوت میان صبر جهادی و غیر جهادی برشمرد. یکی آنکه صبر جهادی صبری است بر مشقتی ارادی و انتخابی و نه تقدیری<sup>۱۷</sup> و اجباری و دیگر اینکه این صبر فراتر از طاقت انسان معمولی است و جهادگر به دلیل رشد معنوی خاصی که در خود ایجاد کرده است می‌تواند چنین صبری داشته باشد.

امیرمومنان نقش صبر را در کارها همچون نقش سر در بدن می‌داند. همانطور که سر برای بدن اصل و اساس است در هر کاری نیز صبر اساس آن کار به شمار می‌آید؛ «الصَّيْرُ فِي الْأَمْوَارِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ، فَإِذَا فَارَقَ الرَّأْسُ الْجَسَدَ فَسَدَ الْجَسَدُ وَ إِذَا فَارَقَ الصَّيْرُ الْأَمْوَارَ فَسَدَتِ الْأَمْوَارُ». نقش صبر در کارها همانند نقش سر در بدن است؛ همچنان که اگر سر از بدن جدا شود، بدن از بین می‌رود، صبر نیز هرگاه همراه کارها نباشد، کارها تباہ می‌گردند.<sup>۱۸</sup> در کار جهادی نیز به دلیل مشقت فراوانی که در کار وجود دارد جهادگر باید صبر را در خود تقویت کند در غیر این صورت تاب سختی‌های کار جهادی را نخواهد داشت.

ذکر این نکته ضرورت دارد اگر چه صبر در میدان‌های متعددی (صبر در برابر معصیت، مصیبت و ...) امکان ظهور دارد، اما صبر در برابر فشارهای دشمنان و مقاومت در برابر هجمه دشمنان، از جمله مصاديق جدیدی است که ارزش جهادگری را مضاعف می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که اساساً هر نوع جهاد به نوعی صبر و مقاومت در برابر یک دشمن درونی و یا بیرونی ختم می‌شود. رهبر انقلاب در کلام زیبایی به این نکته ظریف اشاره کرده‌اند:

جهاد عبارت است از تلاشی که در مقابل یک دشمنی‌ای انجام می‌گیرد؛ هر جور تلاشی جهاد نیست. جهاد عبارت است از آن تلاشی که در برابر یک چالش خصم‌انه از سوی طرف مقابل صورت می‌گیرد؛ این جهاد است.<sup>۱۹</sup>

## (۲) ساده‌زیستی

استفاده از نعمت‌های الهی اگرچه امری مباح است با این حال موممنان سعی می‌کنند که بهره خود را از نعمت‌های دنیا به حداقل برسانند تا تعلق و وابستگی‌شان به دنیا کم و از لحاظ روحی چنان آمادگی‌ای پیدا کنند که مراحل رشد و کمال معنوی را سریع‌تر و بهتر بپیمایند. امیرمومنان درباره

<sup>۱۷</sup> محقق در آینده.

<sup>۱۸</sup> کافی، ج ۲، ص ۹۰، ح ۹.

<sup>۱۹</sup> . (بيانات، ۹۳/۴/۱۱)

شیوه قناعت و ساده‌زیستی در زندگی خویش در نامه ۴۵ می‌فرماید: «إِنَّ إِمَامَكُمْ فَلِإِكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ  
بِطِمْرَيْهِ وَ مِنْ طُعْمِهِ بُقْرُصِيهِ أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَنْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَ لَكِنْ أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عِفَةً وَ  
سَذَادٍ»؛ همانا پیشوای شما از دنیا‌یش به دو لباس کهنه و از طعامش به دو قرص نان اکتفا کرد آگاه  
باشد انجام این کار برای شما مقدور نیست اما شما با زهد و تلاش و عفت و درستی خود مرا  
یاری‌رسان باشد.

جهادگری در مقابل تجمل قرار دارد. کسی که تعلقش به دنیا و آنچه رنگ دنیا دارد زیاد باشد چگونه می‌  
تواند ایثار کند. ایثار کردن یعنی از خود گذشتن و اولین از خود گذشتن از دنیا و تجملات آن گذشتن  
است. بنابراین ایثار و به تبع آن جهاد رابطه مستقیم با ساده‌زیستی دارد. این امر سبب شده است که این  
آیات در شان اهل بیت نازل گردد: «وَيَطْعِمُونَ الظَّعَامَ عَلَى حُبْهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا \* إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ  
اللَّهِ لَا تُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا»<sup>۱</sup>؛ و به [پاس] دوستی [خدا] بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دادند\* ما  
برای خشنودی خداست که به شما می‌خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم. حضرت زهرا سلام الله  
به همراه اهل بیت علیهم السلام در سه روز پیاپی افطار روزه‌های خود را به مسکین و یتیم و اسیری دادند که  
از آنها کمک خواسته بودند و خود با گرسنگی سر بر بالین گذاشتند. این واقعه رابطه مستقیم ایثار و ساده-  
زیستی را به روشنی نشان می‌دهد.

### (۳) جهد و تلاش شدید

مومن در عین حال که ساده‌زیست است، پرتلاش است. امام صادق عليه السلام می‌فرماید: «المؤمن حسن  
المعونة خفيف المؤونة»<sup>۲</sup>؛ مؤمن، پر کار و کم خرج است. این نکته بسیار مهم اگر از منظر جهادگری و  
ایثار نیز مورد توجه قرار گیرد اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. مومن باید پرتلاش باشد حال اگر قرار باشد به  
جهد و تلاش ایثار نیز ضمیمه گردد تلاش مومن ایثارگر و جهادگر مضاعف می‌شود. بنابراین در جهادگری،  
تلاش و کوشش در اوج خود قرار دارد و جهادگر نه تنها پرکار و پرتلاش است بلکه شیره جان خود را  
برای کار بیشتر به میدان می‌آورد. امیرمومنان درباره تلاش در کار می‌فرماید: «طَاعَةُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ لَا يَحُوزُهَا إِلَّا  
مَنْ بَذَلَ الْجَدْهَ وَاسْتَفَرَغَ الْجَهَدَ»<sup>۳</sup>؛ به طاعت خدای سبحان دست نیابد مگر کسی که تلاش کند و نهایت  
کوشش خود را به کار گیرد.

<sup>۱۰</sup> سوره انسان آیات ۸ و ۹.

<sup>۱۱</sup> کافی، ج ۲، ۲۴۱.

<sup>۱۲</sup> غرر الحكم، ۶۰۰۹.

نکته کلیدی در این باره این است که تلاش جهادی به معنای حداکثر تلاش به نسبت استعداد و توانایی است؛ یعنی تلاشی است که غایت و نهایت نیرو و توان انسان جهادگر را دربر می‌گیرد. گاه توان و استعداد یک مهندس چند برابر مهندس دیگری است در این صورت نباید تلاش یکسان آن دو به یک میزان جهادی تلقی شود؛ میزان ارزش کار یک فرد به نسبت استعداد او معنا پیدا می‌کند.

رهبر انقلاب این مطلب را اینگونه مورد توجه قرار داده‌اند:

کار جهادی، به معنی کار برخاسته از ایمان و به کارگیرنده‌ی هر چه بیشتر از ظرفیت وجودی انسان است؛ و  
این دو هیچ یک، نقطه‌ی پایان ندارد.<sup>۲۳</sup>

انسان هرچه از استعدادها یش بیشترش استفاده کند، شکوفاتر می‌شود و به توانایی‌های جدیدش پی می‌برد و به تدریج ظرفیت تلاش جهادی هم در او فزونی می‌گیرد. تمرین جهادگری زمینه‌ساز رشد اخلاقی انسان بوده و سبب تکثیر این منش در دیگر ابعاد وجود انسان می‌شود.

#### ۴) اتكال به خدا

از مهم‌ترین صفاتی که یک ایثارگر و جهادگر باید در خود تعویت کند اتكال به خداوند متعال است. این صفت ناشی از ایمانی قلبی و یقینی ناشی از اعتقادات راسخ انسان است. خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَنصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرُكُمْ وَيَعْلَمُ أَفْدَامَكُمْ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد، نتیجه اعتماد و اعتقاد به خدا و وعده الهی نصرت و یاری او و همچنین ثبات قدمی است که خود ارزشی والا و ناشی از این اتكال به خداست. ثبات قدم سبب می‌شود تاریکی‌ها و ظلمت‌هایی که هر لحظه بر انسان هجوم می‌آورد انسان را در مسیر و راهش متزلزل نکند. توکل بر خدا یعنی کافی دانستن خدا برای همراهی «وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»<sup>۲۴</sup>؛ هر کس به خدا توکل کند خداوند او را کفایت می‌کند. جهادگری به مراتب دارای مشقت و سختی بیشتری است؛ همین امر را برای تزلزل و سوسه هموار می‌کند. راه مقابله با تزلزل و وسوسه توکل بر خدا است. ناگفته نماند توکل و صبر با یکدیگر پیوندی محکم دارند چنانکه در آیات ۴۱ و ۴۲ سوره نحل خداوند چنین می‌فرماید: «وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدٍ مَا ظُلِمُوا لَنُبَوَّثَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَأُجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا

<sup>۲۳</sup> پیام به گروههای جهادی، ۹۸/۹/۲۰

<sup>۲۴</sup> سوره طلاق آیه ۳.

يَعْلَمُونَ الَّذِينَ صَبَرُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ؛ آنها که پس از ستم دیدن در راه خدا هجرت کردند، در این دنیا جایگاه خوبی به آنها می‌دهیم و پاداش آخرت، از آن هم بزرگتر است اگر می‌دانستند! آنها کسانی هستند که صبر و استقامت پیشه کردند و تنها بر پروردگارشان توکل می‌کنند.

رهبر انقلاب در این باره می‌گوید:

روحیه‌ی جهادی یعنی کار را برای خدا انجام دادن، کار را وظیفه‌ی خود دانستن، همه‌ی نیروها را در راه کار درست به میدان آوردن؛ این روحیه‌ی جهادی است<sup>۲۰</sup>

### ۲.۳ انضباط کاری و قانون‌مداری

از مهم‌ترین صفاتی که یک مهندس جهادگر باید داشته باشد انضباط کاری و دقیقت در انجام امور است. گاه تصور می‌شود که جهادگری با نظم سازگار نیست، در حالی که اساساً داشتن نظم و انضباط فنی و زمان‌بندی دقیق فرایندهای مهندسی بخش تفکیک‌ناپذیر جهادگری مهندسان است. گاه ممکن است که لازمه تلاش جهادی، کنار گذاشتن ساختار سابق و پایه گذاری نظمی جدید باشد، اما به هر نحو تلاش جهادی بدون انضباط همه جانبه امکان تحقق ندارد. رهبر انقلاب در این باره می‌گوید:

مدیریت جهادی به معنای بی‌انضباطی نیست؛ پُرکاری، با تدبیر حرکت کردن، شب و روز نشناختن و دنبال کار را گرفتن، این معنای مدیریت جهادی است.<sup>۲۱</sup>

توجه شود که نظم جهادگرانه خود را در افق بالاتری هم نشان می‌دهد و آن هم حرکت در چهارچوب قانون و مقررات موجود است. جهادگری حرکتی پرشتاب و دقیق است که در چهارچوب قانون صورت می‌گیرد. قانون‌گریزی و حرکت ورای قانون با روح جهادگری ناسازگار است. رهبر انقلاب در این باره می‌گوید:

کار را باید جهادی کرد؛ جهادی به معنای بی‌قانونی نیست... در همان چهارچوب قانون، دو جور می‌شود کار کرد: یک کار کار مرسوم اداری، یک کار کار جهادی.<sup>۲۲</sup>

### ۳. دانش‌مداری و اقدام عالمانه

هر اقدام مهندسی به شکل ذاتی با دانش و علم ملازم است. از آنجا که جهادگری به معنای شتاب بیشتر و بهره‌وری بالاتر است، مهندسان جهادگر باید از نصاب علمی و دانشی بالاتری برخوردار باشند تا بتوانند کمیت و کیفیت را همزمان ارتقاء بخشنند.

رهبر انقلاب می‌گوید:

کار جهادی یعنی کاری که هم در آن خستگی‌ناپذیری هست، هم اخلاص هست؛ و هم عالمانه؛ یعنی بنشینند و با موازین علمی، با شیوه‌ی دقیق عالمانه راه‌های صحیح را پیدا کنند.<sup>۲۸</sup>

### ۴. اعتماد به نفس

اعتماد به نفس به برای جهادگر بسیار مهم است. خودتحقیری آفتی است که میراث رژیم گذشته است و گاهی در فرهنگ کنونی نیز دیده می‌شود. باور به استعدادها و توانایی‌های واقعی مهندسان و تکنسین‌های بومی کشور سبب می‌شود، کشور رشد و پیشرفت فزونی داشته باشد. خودتحقیری نیز سبب عقب ماندن کشور می‌شود.

رهبر انقلاب در این‌باره می‌گوید:

یکی از سنگرهای دشمن برای تسلط بر کشور ما، عبارت بود از تزریق بی‌اعتقادی به خود، بی‌اعتمادی به خود، نداشتن اعتماد به نفس ملی؛ در مقابل چشم‌شان زرق‌وبرق کشورهای غربی را مشاهده می‌کردند، پیشرفت‌های علمی و پیشرفت‌های فناوری و زرق‌وبرق تمدنی مادی آنها را می‌دیدند و در [کشور] خودشان اینها نبود، در کشور این چیزها نبود، عقب‌ماندگی بود، لذا احساس بی‌اعتمادی به خود می‌کردند، احساس ناباوری به خود می‌کردند. آن روز در دوران پهلوی، ... می‌گفت ایرانی لیاقت‌ش همین است که برود لوله‌نگ بسازد؛ ایرانی را چه به اختراعات! آن روز این جوری می‌گفتند. یک نفر دیگر از برجستگان آن دوران می‌گفت که ایرانی اگر بخواهد پیش برود، بایستی از فرق سر تا پا بشود غربی و اروپایی؛ باید همه‌چیز خودش را شیوه آنها بکند، شاید بتواند جلو برود؛ یعنی به خودشان باور نداشتند. خب، انقلاب آمد این ناباوری را بکلی تبدیل کرد به باور به خود، اعتماد به نفس ملی؛ امروز جوان ایرانی می‌گوید ما می-<sup>۲۹</sup> توانیم.

<sup>۲۸</sup>. بیانات، ۱/۱/۱۳۹۸

<sup>۲۹</sup>. بیانات، ۱/۱/۱۳۹۵